

به نامش و به یاریش



انجمن فارغ التحصیلان
دانشگاه صنعتی شریف

سومین کنفرانس فارغ التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف

۲۹ و ۳۰ آذرماه ۱۳۹۶



خدمات متقابل آموزش عالی و آموزش و پرورش: حلقه گم شده توسعه

سهیلا غلام آزاد

پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورها، نظام تعلیم و تربیت یک‌پارچه، یعنی آموزش مدرسه‌ای و دانشگاهی، در آنهاست.

در حقیقت، زیرساخت‌های هر کشور (توسعه یافته یا در حال توسعه)، متناسب با کیفیت آموزش در مدرسه و دانشگاه، شکل می‌گیرد

این در حالی است که نهاد تعلیم و تربیت رسمی و عمومی بخشی از مجموعه حاکمیت است.

بخشی که وظایف و کارکردهای آن در جهت توسعه یک جامعه مطلوب تعریف شده است.

بی تردید عملکرد بهینه چنین بخشی مستلزم هماهنگی و تعامل معنا دار با سایر نهادها است.

از آن جمله می‌توان به نهادهای اقتصاد، بهداشت، فرهنگ، امنیت و آموزش عالی به عنوان بخش‌هایی که نهاد تعلیم و تربیت رسمی با آنها در تعامل است اشاره نمود.

در نتیجه یکی از عوامل مهم در کارکرد درست و بهینه نهاد تعلیم و تربیت رسمی، تعامل مناسب با دیگر نهادهاست.

در راستای اهداف و آرمان‌های مطرح در سند چشم‌انداز، در دهه گذشته شاهد تلاش‌های بسیاری جهت ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور بوده‌ایم.

حاصل این تلاش‌ها تولید سه سند بوده است که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده‌اند.

- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)
- برنامه درسی ملی (۱۳۹۲)

در تولید این اسناد عده کثیری از متخصصان، صاحب نظران و کارشناسان

- آموزش و پرورش،

- حوزه های علمیه و

- دانشگاه ها

مشارکت جدی داشتند.

هدف کلی جریان تربیت در جامعه اسلامی با توجه به شاخص تحقق آن در مبانی سند تحول چنین توصیف شده است:

«تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان به گونه ای که بتوانند موقعیت خود و دیگران در هستی را به درستی درک و آن را به طور مستمر با عمل صالح فردی و جمعی متناسب با نظام معیار اسلامی اصلاح نمایند»

از جمله سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش
ذکر شده:

- ارتقای جایگاه آموزش و پرورش به مثابه **مهمترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی** و عهده‌دار اجرای سیاست‌های مصوب و هدایت و نظارت بر آن (از مهد کودک و پیش دبستانی تا دانشگاه) به عنوان امر حاکمیتی با توسعه همکاری دستگاه‌ها

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (به عنوان دستگاه اجرایی آموزش عالی کشور) با هدف

تأمین نیروی انسانی متخصص و توسعه منابع انسانی کشور
یکی از نزدیکترین دستگاهها به نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به حساب می آید

از جمله ماموریت‌های اصلی این دستگاه آمده است:

- شناسائی مزیت‌های نسبی، قابلیت‌ها، استعدادها و نیازهای پژوهش و فناوری کشور بر مبنای آینده‌نگری و آینده‌پژوهی و معرفی آن به واحدهای تولیدی، تحقیقاتی، دانشگاهها و مراکز آموزشی و تحقیقاتی جهت بهره‌برداری

همچنین

- اتخاذ تدابیر لازم به منظور افزایش کارآئی و اثربخشی تحقیقات کشور و توسعه تحقیقات کاربردی با همکاری دستگاههای ذی ربط.

- تمهید ساز و کارهای لازم برای ایجاد همسویی میان فعالیتهای آموزشی، تحقیقاتی و فناوری، تقویت ارتباط دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی با بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

و بالاخره اینکه

- مشارکت فعال در فرآیند سیاست‌گذاری نظام آموزش و توسعه نیروی انسانی کشور به منظور ایجاد هماهنگی لازم بین برنامه‌های سطوح مختلف آموزش کشور

همین طور که ملاحظه می‌شود زمینه‌های خدمات متقابل آموزش عمومی و آموزش عالی به لحاظ نظری و قانونی قبلاً پیش بینی شده است

یعنی در کنار تربیت نیروهای متخصص، ارائه خدمات علمی به سایر نهادهای کشور نیز از جمله وظایف آموزش عالی محسوب می‌شود.

ایجاد چنین ارتباطی بین دانشگاه‌ها و حوزه‌های گوناگون صنعت، اقتصاد، بهداشت و تمام بخش‌های دیگر، در رابطه با حل مسائل مختص به هر کدام، مورد انتظار است.

از آنجا که حوزه وظایف و فعالیت‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی در راستای یکدیگر است، انتظار می‌رود که فرهیختگان و نخبگان آموزش عالی نقشی پررنگ در سیاست‌گذاری‌ها و پژوهش‌های مورد نیاز نظام تعلیم و تربیت رسمی نیز ایفا نمایند

چرا که آموزش و پرورش، تقریباً تنها نهادی است که مسئولیت تأمین نیروی انسانیِ کارآمد را جهت ورود به چرخه آموزش عالی دارد

این در حالی است که به استناد اسناد و یافته‌های پژوهشی، به جرأت می‌توان گفت که در این بین، آموزش عمومی در ایران، کمترین توجه را از جانب آموزش عالی و به خصوص استادان دانشگاه، دریافت کرده است.

البته، بسیاری اوقات دیده می‌شود، برای بعضی از رشته‌های دانشگاهی، مدرسه و آموزش عمومی حکم حیاط خلوتی را دارد که طرح‌های پژوهشی کلان و خرد، در آنجا، انجام می‌شود.

ولی اغلب آنها به صورت نظام‌مند در راستای آرمان‌ها و چشم‌انداز آموزش و پرورش برنامه‌ریزی نشده و در نتیجه دستاوردی جدی برای نظام تعلیم و تربیت رسمی ندارند

به عنوان نمونه می‌توان به پژوهش‌های انجام شده توسط تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان دوره‌های دکتری رشته‌های علوم تربیتی، بالاخص رشته برنامه‌درسی اشاره کرد.

در سال‌های اخیر، در راستای ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش ایران، شاهد تغییرات رادیکالی به لحاظ

- ساختاری

- محتوایی، و

- اجرایی

در کشور بوده‌ایم که با کمترین توجه و عکس‌العمل از جانب فرهیختگان آموزش عالی به اجرا در آمده‌اند

• تغییر ساختار نظام از ۴-۳-۵ به ۳-۳-۶، یا به عبارتی
۳-۳-۳-۳

به معنای در هم ریختن دوره‌های تحصیلی؛ اضافه شدن پایه
ششم به دوره ابتدایی، تبدیل دوره متوسطه به دو دوره اول و
دوم (سیکل اول و دوم قدیم) و حذف دوره پیش‌دانشگاهی؛

این تغییر ساختار مشکلاتی را در پی داشت، از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کمبود کلاس و فضای فیزیکی در دبستان‌ها جهت برگزاری پایه ششم
- کمبود آموزگار دوره‌دیده برای تدریس در پایه ششم
- ایجاد نیروهای مازاد در دوره‌های متوسطه اول و دوم

تغییرات محتوایی، در قالب تغییر برنامه‌های درسی و کتاب‌های درسی به شکلی غیرمنتظره؛

این تغییرات از سال تحصیلی ۹۰-۱۳۹۱ با ورود کتاب‌های جدیدالتالیف پایه اول آغاز شد و در سال تحصیلی جاری (۹۷-۱۳۹۶) به پایه یازدهم رسیده است.

این تغییرات نیز مشکلاتی را در پی داشته است، از جمله

- فقدان برنامه‌درسی آموزش مدرسه‌ای در حوزه‌های مختلف یادگیری
- عدم آشنایی معلمان با رویکردهای آموزشی جدید مطرح در کتاب‌های تازه تالیف
- تبدیل شدن کلاس‌های درس سراسر کشور به نمونه آزمایشی اجرای کتاب‌های جدید

دادن انحصار تربیت معلم در تمام سطوح، به دانشگاه فرهنگیان

این تصمیم در حالی عملیاتی شد که در بسیاری از پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان هنوز حداقل‌های لازم مهیا نبود؛ که از جمله مهمترین آنها می‌توان به تعداد ناکافی اعضای هیات علمی متخصص اشاره کرد

ضمن اینکه در نتیجه این تصمیم آینده شغلی بسیاری از رشته‌های دانشگاهی از جمله رشته‌های علوم پایه و علوم تربیتی مبهم شده و در نتیجه متقاضیان ادامه تحصیل در این رشته‌ها رو به کاهش گذاشت.

این تغییرات هر چند موجه ولی وقتی بدون پشتوانه های لازم پژوهشی و زیر ساخت های لازم به اجرا در آمدند هر یک تبدیل به چالشی بزرگ شدند.

که در دراز مدت آثار آن در قابلیت های متقاضیان ورود به آموزش عالی نمایان خواهد شد

همان طور که در کوتاه مدت، نتایج آزمون بین المللی تیمز شاهی برای این ادعا است

این گسست، باعث بی‌قوارگی و نامتعادل شدن آموزش مدرسه‌ای و دانشگاهی، در ایران شده است که از جمله عوارض مخرب آن، می‌توان به مسائل کنکور، مدارس خاص و مؤسسات آموزش عالی، ناشران تجاری برای انجام امور آموزشی هر دو نهاد و ارائه خدمات به اصطلاح پژوهشی به دانشگاهیان، اشاره نمود.

همچنین، لختی و بی تفاوتی آموزش عالی نسبت به وضعیت موجود پذیرش دانشجو که برای مثال، حتی در سال‌های اخیر، با نمره‌های منفی در درس‌های ریاضی، وارد رشته ریاضی دانشگاهی می‌شوند، و ده‌ها و ده‌ها مورد دیگر، همگی حاکی از فقدان چشم‌انداز و جهت‌گیری مناسب برای آینده آموزش عمومی و آموزش عالی در ایران است.

بدین سبب، لازم است که استرژژیست‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی به طور مشترک، برای شناخت یکدیگر، آشنایی با چالش‌های هر کدام و دیدن فعالیت‌های هر دو دستگاه در یک پیوستار، تلاش کنند تا با هم‌اندیشی‌ها و انجام مطالعات دقیق، بتوانند ارتباطات معناداری بین این دو نهاد به شدت اثرگذار و حذف‌نشده در هر جامعه به وجود آورند، که مبتنی بر درک متقابل و شناخت عمیق و همه‌جانبه از هم باشد.

در این صورت، می‌توان امیدوار بود که بر اساس چنین یافته‌هایی، برنامه‌های دقیق، غیرشعاری، منعطف، واقع‌بینانه و آینده‌نگر طراحی شوند و مسیر اجرایی شدن آن‌ها با حفظ استقلال دانشگاه‌ها و دوباره‌نگری در تربیت معلمان، تسهیل شود.

حرف آخر این که، آموزش و پرورش درآمدزایی ندارد، ولی شاید لازم باشد آموزش عالی برای ارتقای درآمدهایش روی آموزش و پرورش سرمایه گذاری کند، زیرا آموزش عمومی فی نفسه، سرمایه است و چشمه‌ای است که می‌جوشد و رودی است که بعدها، به دریای دانشگاه می‌ریزد.

از توجه شما سپاسگزارم